

در تفسیر نمونه آمده است: بنا بر روایتی، اسقف مسیحیان به همراهان خود گفت  
من چهره هایی را می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه ها را از جا برکنند  
چنین خواهد کرد. هرگز با آنان مباحله نکنید که هلاک خواهید شد  
و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند

چند برداشت از ماجرای مباحله به روایت استاد سید محسن میرباقری

# از اثبات اعجاز اسلام تا درس های کریمانه پیامبر (ص)



نازلی مروت  
روزنامه نگار

تاریخ صدر اسلام سراسر رویداد است. رویدادهایی که از چند جهت می توان آنها را تحلیل و بررسی کرد. یکی از این ماجراها مباحله است. اتفاقی که از رویارویی دو دین ابراهیمی در یکی از حساس ترین برهه های تاریخی می گوید. در ماجرای مباحله از اهمیت اثبات حقایق عقاید دین پیامبر خاتم به پیروان سایر ادیان گرفته تا معرفی اهل بیت به عنوان خاندان عصمت و طهارت به امت اسلامی و درس اخلاق رسول... به امتش، می توان سخن گفت. دکتر سید محسن میرباقری روایتگر این اتفاق از زبان قرآن است. او درباره اهمیت ماجرای مباحله و آثار آن در جهان اسلام با ما به گفت و گو پرداخت.

استاد سید محسن میرباقری؛ خادم قرآن، پژوهشگر برتر علوم قرآنی و از مفسران قرآن است که در کنار تحصیلات حوزوی در دانشگاه نیز تا مقطع دکتری علوم قرآنی به تحصیل پرداخته است. «جبر و اختیار یا سیمای مختار انسان در قرآن کریم»، «ظاهر قرآن باطن قرآن»، «به رنگ محبوب» و «پیامبر اکرم شاهد بر اعمال همه انسان ها» برخی از کتاب هایی است که به قلم این مفسر پیشکسوت در کنار ده ها مقاله به رشته تحریر درآمده است.

## ۴ چرا ماجرای مباحله رخ داد؟

یکی از ویژگی های بزرگان یهود و مسیحیان در دوره پیامبر (ص) این بود که بسیار مغرور بودند و گمان می کردند که از اولیاء... و محبوب درگاه خدا هستند؛ یهودیان استکبار نژادی شدید داشتند و مسیحیان که اهل رهبانیت بودند، برای خود جایگاه ویژه ای قائل بودند. با وجود این تفکر نام رسول خاتم در عربستان و مناطق دیگر پیچیده و محبت او در دل ها جا گرفته بود. از این روی مسیحیان نجران زمانی که به مدینه آمدند به فکر مناظره و مباحثه با پیامبر (ص) افتادند. آنها با لباس های فاخری نزد پیامبر رفتند، ولی رسول... آنها را نپذیرفتند تا زمانی که با لباس ساده و مانند مردم عادی خدمت حضرت شرفیاب شدند، زیرا شخص پیامبر (ص) این چنین بود.

از امام صادق (ع) در تفسیر نورالتقلین ذیل آیه مباحله و در شرح ماجرای مذکور آمده است: گروهی از مسیحیان نجران نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و گفتند به چه چیز دعوت می کنی؟ رسول خدا فرمودند به این که گواهی دهید که اول جز «...» خدایی نیست. دوم من پیامبر خدا هستم. سوم حضرت عیسی بنده خدا بود و می خورد و می نوشید. پس از گفت و گو بسیار، گروه مسیحی حاضر به پذیرش حق نشدند و قبول نکردند که عیسی (ع) بنده خداست. در این هنگام آیه مباحله نازل شد. پیامبر اکرم به آنان فرمود بیایید یکدیگر را نفرین کنیم. اگر حق با من بود، لعنت خدا بر شما نازل شود و اگر حق با شما بود، لعنت خدا بر من نازل

شود. آنان پذیرفتند، قرار شد فردای آن روز در مکانی حضور یابند و مباحله کنند. هنگامی که نزد رؤسای خود بازگشتند و مطلب را بازگو کردند، سران شان گفتند اگر او قوم خود را آورد، پیامبر نیست و اگر تنها خانواده اش را آورد، حتما پیامبر خداست. روز موعود پیامبر اکرم همراه با علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) به جایگاه مباحله رفتند که الان پشت قبرستان بقیع با نام مسجد مباحله یا مسجدالاجابه شناخته می شود. چون گروه نصارا این صحنه را دیدند از رسول خدا (ص) درخواست کردند که از مباحله صرف نظر کند و اجازه دهد آنان در دین خود بمانند و جزیه بپردازند. پیامبر اکرم پذیرفتند و آنان برگشتند. جزیه پولی است که اهل کتاب بعد از شکست از مسلمانان در جنگ، باید به حکومت اسلامی آن را پرداخت کنند.

در تفسیر نمونه آمده است: بنا بر روایتی، اسقف مسیحیان به همراهان خود گفت من چهره هایی را می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه ها را از جا برکنند، چنین خواهد کرد. هرگز با آنان مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند.

## ۵ بین پیامبر (ص) و مسیحیان نجران چه گفت و گویی رد و بدل شد؟

مسیحیان وقتی راجع به حضرت عیسی با پیامبر سخن گفتند در ابتدا از رسول... پرسیدند: پدر شما کیست؟ حضرت فرمودند: عبدا... پدر حضرت موسی عمران و حضرت

عیسی پدر ندارد. گفتند هم شما و هم ما، عیسی را پاک می دانیم و او هم می گوید پدر ندارد، پس چرا وقتی می گوئیم پسر خداست، شما نمی پذیرید؟ حضرت فرمودند: اگر نداشتن پدر، موجب پسر خدا بودن می شود، پس حضرت آدم مقدم است. چون نه پدر داشت و نه مادر اما مسیحیان همچنان اصرار داشتند که مسیح پسر خداست. در اینجا قرآن وارد بحث شد. خداوند در آیه ۵۹ سوره آل عمران می فرماید: ماجرای عیسی بن مریم در نزد خدا، مثل ماجرای حضرت آدم است که او را از خاک آفرید. یعنی طینت همه انسان ها از خاک آفریده شده است. قرآن گاهی مسیح (ع) را به نام کلمه معرفی می کند، چنان که در آیه ۱۷۱ سوره نساء می فرماید: ای اهل کتاب! در دین تان غلو نکنید، به خدا نسبت دروغ و ناحق ندهید، مسیح پسر مریم است. عیسی بن مریم رسول خدا و کلمه اوست...

در اینجا کلمه به همان معنای طینت است. طینت حضرت عیسی به جای این که بخشی از آن در بدن پدر ساخت و ساز شود و به سلول حیاتی تبدیل شود، یکباره به بدن مریم (س) منتقل شد... او را از خاک خلق کرد... این مطلبی که بر تو نازل شد، حق است از ناحیه خدا. جزء شک کنندگان نباش. مسیحیان خواستند بحث و جدل را ادامه دهند که قرآن راه را بست. آیه ۶۱ آل عمران می فرماید: هر کس خواست در این زمینه باز هم با تو بگو مگو کند. به اینها بگو نه، خداوند اجازه ادامه گفت گو نداده است. چون جدل است و فایده ای ندارد.

راه اول گفت و گو بود که نتیجه ای نداشت اما راه دوم مبارزه دعایی و نفرین بود. پیامبر به مسیحیان فرمود: شما مدعی قدیس و مقرب درگاه حق بودن هستید. من هم می گویم رسول خدا هستم، بیایید هر دو و به درگاه خدا تضرع کنیم.

هر دو یک حرف می زنیم «خدا یا هر کس دروغ به تو می بندد، او را نابودش کن». اینها قبول کردند. در حدیث هم دیدید که آمدند و حاضریه مباحله نشدند. یعنی پیغمبر اکرم آمدند و روی زانو نشستند.

و به چهار نفری که اطراف شان بودند، فرمودند که هر چه من گفتم، آمین بگویید. بعد خواستند دست به دعا بلند کنند که بزرگ مسیحیان دوان دوان آمد. گفت خواهش می کنیم مباحله نشود. ما حاضریم شرایط ذمه را بپذیریم و جزیه بدهیم.

## ۶ علت انتخاب همراهان خاص برای مباحله چه بود؟

تمام مسلمان ها، شیعه و سنی همه معتقدند که پیغمبر اکرم چهار نفر را با خود به مباحله بردند: امیرالمؤمنین (ع)، حضرت زهرا (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع). زیرا تنها کسانی که شایستگی حضور در مباحله داشتند، این افراد بودند. باید افراد مقدسی را می بردند که دعای آنها پذیرفته شود. پیغمبر اکرم به آنها گفتند پسران تان را بیاورید. مفهومی این است که بین پسران تان برگردید، هر کدام که فکر می کنید مقرب بارگاه قدس ربوبی هستند، او را بیاورید.

